

مسئولیت جزائی

قسمت اول - در کلیات

محکومیت جزائی از لحاظ قضائی شامل کسانی میشود که از لحاظ جزائی مسئول شناخته شوند کسانیکه مسئولیت اخلاقی و یا مسئولیت قانونی دارند کسانی میباشد که از روی آزادی عمل مرتکب فعل شده باشند و از لحاظ دفاع اجتماعی تفاوتی در میان افرادی که از روی قصد و اراده مرتکب جرم گردیده و یا کسانیکه بدون اراده مرتکب جرم شده‌اند نداشته زیرا در هر صورت با عمل آنها نظم اجتماعی گسیخته میشود - ولی در هر صورت افرادی را از لحاظ جزائی بایست مجازات نمود که مجازات درباره آنها مؤثر واقع شود چه کسانی از لحاظ قانون دارای مسئولیت جزائی میباشد آیا فقط اشخاص در مقابل قانون دارای مسئولیت جزائی بوده و یا کسان دیگری نیز دارای شخصیت جزائی میباشد. مسئولیت جزائی در ادوار مختلف مانند حال منحصر با افراد نبوده بلکه از لحاظ سابقه تاریخی سابقاً حیوانات را نیز مجازات مینمودند.

موضوع مسئولیت جزائی افراد حقوقی - موضوع مسئولیت جزائی
افراد حقوقی از طرفی امری عملی بوده و از طرف دیگر موضوعی است که مورد بحث و مناقشات زیاد در کنگره جزائی بخارست قرار گرفته. بعقیده علمای فرانسه مسئولیت جزائی را نمیتوان شامل شخصیت‌های حقوقی نمود فرضیه مذکور متکی بدلائل زیر است.
۱ - شخصیت‌های حقوقی دارای اراده آزاد نبوده که سوء نیت آنها در عمل مورد نظر قرار گیرد و هر کسی دارای اراده نباشد مرتکب خط و خطائی نگردیده و در نتیجه فاقد مسئولیت جزائی است.

۲ - شخصیت‌های حقوقی بنا بر تعریف متخصصین فن در واقع وجود خارجی و صلاحیت نداشته که با در نظر گرفتن مراتب مذکور وظایف خود را انجام دهند و صرف انجام عمل جهت تحقق جرم کافی نیست بلکه عامل اصلی ارتکاب جرم اراده میباشد که شخصیت‌های حقوقی فاقد آن میباشد.

۳ - بالاخره چنانچه توجهی به انواع مجازات‌ها نمائیم خواهیم دید که مجازات‌هایی که در قانون پیش بینی شده جهت اشخاص وضع شده نه برای اشخاص حقوقی مثلاً شخص حقوقی را نمیتوان بدار مجازات آویخت و همچنین شخصیت‌های حقوقی را نمیتوان زندانی نمود.

نظریه علمای حقوق راجع به عدم مسئولیت جزائی افراد حقوقی مورد اعتراض واقع شده زیرا چنانچه ملاحظه شده شرکتها و سندیکاها مرتکب جرایم زیادی میگردند مخالفین این عقیده مدعی هستند که:

مسئولیت جزائی

۱ - علمای علم اجتماع از طرفی تأیید میکنند که اجتماعات و شرکتهای دارای اراده خاصی بوده که متمایز از اراده اعضای آن میباشد و بهترین دلیل نظریه است منصفه است که در امور جزائی اخذ و مورد نظر قرار میدهند - از اینرو برای شخصیت های حقوقی مسئولیت حقوقی قائل شده اند همانطوریکه میتوان برای شخصیت های حقوقی مسئولیت حقوقی قائل شد بهمان دلیل میتوان برای اشخاص مذکور قائل به شخصیت جزائی شد.

۲ - قبول اصل مسئولیت جزائی شخصیت های حقوقی مورد بحث نبوده و در این مورد کلیه علمای حقوق اتفاق نظر دارند منتهی شخصیت های حقوقی را قابل مجازات نمیدانند با توجه باینکه امکان تخلف و ارتکاب جرم از طرف شخصیت های مذکور مسلم است باید لااقل از لحاظ قانون اقداماتی نمود که شخصیت های مذکور را از ارتکاب جرم بازداشت.

۳ - صحیح است که بیشتر جرائمی که در قانون جزا پیش بینی شده درباره اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست ولی مجازات های دیگری وجود دارد که میتوان درباره شخصیت های حقوقی اجرا نمود مانند محکومیتها به جرائم نقدی و انحلال شخصیت های مذکور.

هرچند دیوانعالی کشور فرانسه شخصیت های حقوقی را غیرمسئول شناخته ولی این اصل مورد قبول محاکم قرار نگرفته و بعضی از محاکم دستور توقیف اموال و یا انحلال یا بستن دفتر و یا مغازه های شخصیت های حقوقی را پس از ارتکاب جرم صادر نموده - باید در نظر داشت که جنبه امنیت عمومی مجازاتهای مذکور بیشتر از جنبه جزائی آن اهمیت دارد از طرفی افراد عادی را نیز در صورت ارتکاب جرم به مجازاتهای فوق محکوم مینمایند روی همین اصل قانونگذار فرانسه در قوانینی که بعداً به تصویب رسیده شخصیت های حقوقی را قابل تعقیب و مجازات دانسته مثلاً بموجب ماده ۴۰۸ قانون کیفر همگانی میتوان شخصیت های حقوقی را محکوم به پرداخت جریمه و یا توقیف اموال نمود - همچنین بموجب قانونی که در اکتبر ۱۹۴۵ به تصویب رسیده و بموجب قانون ۱۹۵۲ اصلاح شده راجع به قیمت اشیاء مقرر گردیده کلیه افرادی که مؤسسه را اداره میکنند و یا صاحبان کارخانه و یا شرکتهاییکه برخلاف مقررات قانون رفتار نمایند علاوه بر پرداخت جریمه محکوم به توقیف اموال خواهند شد.

دلایل عدم مسئولیت جزائی . اعمال ارادی افراد در کلیه موارد قابل

تعقیب نبوده زیرا در بعضی از موارد اعمال مذکور قانوناً جرم محسوب نگردیده و درباره از موارد بواسطه کیفیات خاصی متهم مجازات نمیگردد - اعمال مذکور در قانون جزای عمومی ضمن مواد ۲۴ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ اشاره شده که بطور کلی در دو دسته تقسیم میگرددند

۱ - علل عدم مسئولیت جزائی ۲ - اعمال قانونی.

علل عدم مسئولیت جزائی امری فردی بوده و شامل افراد خاصی که در قانون

تصریح گردیده میشود و مشمول سایر کسانی که شریک یا معاون جرم بوده نمیگردد مثلاً اطفال غیرمسئول و یا افراد مجنون و یا کسانی که بر حسب ضرورت برای دفاع و حفظ نفس

مسئولیت جرائی

یا ناموس و یا برخلاف میل خود مجبور بارتکاب جرم میگردند از مجازات معاف میباشند ولی در هر صورت افرادی که معلون یا شریک جرم میباشند بر فرض آنکه متهم اصلی معاف از مجازات گردد این اسراف مجازات فرد اخیر نمیباشد.

اعمال قانونی افراد که جرم محسوب نمیگردد در ماده ۲؛ قانون کیفر همگانی تصریح گردیده و این ماده را بایست تفسیر محدود نمود بدین توضیح که: « عملی که از مستخدمین دولت و مأمورین دولتی واقع میشود در موارد ذیل جرم محسوب نمیگردد: ۱- در صورتیکه ارتکاب عمل بواسطه امر آمر قانونی واقع شده و مرتکب بر حسب قانون ملزم با اجرای آن بوده است ۲- در صورتیکه آن عمل برای اجرای قانون لازم بوده » یا توجه باینکه بعقیده پاره از علمای حقوق اشتباه و اضطراب در ارتکاب جرم در بعضی از موارد رافع مجازات میباشد ولی نظر مذکور کلیت نداشته و بعضی از محاکم قبول نمیکنند.

علل عدم مسئولیت کیفری: سرسلسله علل عدم مسئولیت کیفری را صفحہ ۱۸ تشخیص داده اند که شامل افراد غیر ممیز میگردد مسئولیت جزائی اطفال که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند در ضمن مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ قانون کیفر همگانی بیان گردیده بطور کلی کسانی که کمتر از ۱۲ سال تمام دارند افراد غیر ممیز محسوب و ناسپردگان را جزا نمانند محکوم نمود. بحث در این مورد طولانی و در جرائم اطفال مفصلاً بیان گردیده و نظر خوانندگان گرام را بکتاب مذکور معطوف میداریم.

جنون: قبل از انقلاب کبیر فرانسه قوانین جزائی مشمول کلیه افرادی که مرتکب جرم میگرددند میگشت حتی مجنونین را نیز مجازات مینمودند. ولی پس از انقلاب و تنظیم قانون کیفر همگانی افرادی که در حین ارتکاب جرم مجنون باشند قابل تعقیب کیفری نمیباشند قانون جزای ایران ضمن ماده ۴۰ اصل مذکور را مورد قبول قرار داده (ماده ۶۴ قانون کیفر همگانی فرانسه بدین توضیح: « کسیکه در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمیشود و مجازات نخواهد شد ولی در صورت بقای جنون بدارالمجانین محسوب شود. » چون در قانون اشاره به جرم گردیده شامل جنحه و جنایت میباشد بعضی عقیده دارند چنانچه افراد مذکور مرتکب خلاف گردند قابل تعقیب میباشند ولی نظر مذکور قابل بحث و تأمل میباشد.

لغت مجنون و یا اختلال دماغی را که در ماده ۴۰ قانون کیفر همگانی بدان اشاره شده بایست تفسیر محدود نموده و قانونگذار خواسته است شامل کلیه اقسام جنون نماید.

- ۱- قوای دماغی افراد در اثر گرفتن پاره از امراض در بعضی از موارد خواب رفته و یا تشو و نما نمینماید افراد مذکور از لحاظ امراض روحی به طبقات مختلف تقسیم گردیده که عبارتند از:

- ۱- افراد احمق (des Crétins) ۲- افراد خرافت باگنگ (idiot) و افراد ضعیف العقل ابله (imbecile) افراد مذکور بدو اداری عقل سالم بوده ولی در اثر گرفتن امراض ناگهانی وضع آنها تغییر و دیوانه گردینمانند افراد مذکور جزء مجانین بوده

بطور کلی چنانچه مرتکب جرم گردند دارای مسئولیت کیفری نمیشوند تحقیق اینکه متهم درحین ارتکاب جرم مجنون بوده و از روی اراده مرتکب جرم گردیده با قاضی تعقیب است که ضمن رسیدگی باصل جرم موظف است راجع باین امر نیز اظهار نظر نماید حتی درباره افرادی که از طرف دادگاه حقوق درباره آنها حکم حجر صادر شده و کسانی که به تیمارستان اعزام گردیده اند چنانچه مرتکب جرمی گردند ممکن است نامبردگانرا از لحاظ جزائی قابل تعقیب دانست زیرا ممکن است در موقع ارتکاب جرم عاقل بوده و با قاضی جزائی است که ضمن رسیدگی راجع باین امر اظهار نظر نماید هر چند قضات جزائی در اظهار نظر آزادی مطلق دارند ولی عملاً از تجربیات اطباء استفاده نموده و در این موارد پس از کسب نظر پزشکی اسراض روحی و در نظر گرفتن نحوه ارتکاب جرم در ماهیت امر اظهار نظر مینمایند.

در چه شرایطی جنون رافع مسئولیت جزائی است : همینکه جنون

منسجل گردید بموجب ماده ۰۴ قانون کیفر همگانی تعقیب جزائی متهم موقوف میشود زیرا مجنون را نمیتوان مورد تعقیب کیفری قرار داد . ولی آیا فرد مجنونی که مرتکب جرم گردیده بایست آزاد نموده تا مرتکب جرم دیگری گردد یا خیر درست است که از لحاظ قانون نمیتوان اقدامات تاسینیه در باره مجنونین نمود ولی از لحاظ نظم اجتماعی همانطور که در ماده ۰۴ قانون جزا اشاره شده نامبرده را بایست تحویل تیمارستان داد ضمناً باید در نظر داشت که جنون در صورتی رافع مسئولیت جزائی است که متضمن شرایط ذیل باشد :

۱- متهم درحین ارتکاب جرم مجنون باشد : همانطور که در قانون

اشاره شده متهم بایست درحین ارتکاب جرم مجنون باشد . چنانچه جنون پس از ارتکاب جرم حادث شده باشد این امر تعقیب کیفری متهم را موقتاً معلق مینماید چنانچه باتهام متهم رسیدگی و منتج بصدور دادنامه کیفری بر محکومیت وی شده و دستور اجرای دادنامه نیز صادر و متهم زندانی بوده و درحین اجرای دادنامه مجنون شده باشد در اینصورت نامبرده را به تیمارستان اعزام و مدت اقامت وی در تیمارستان جزء مدت محکومیت وی احتساب میگردد چنانچه متهم درحین ارتکاب جرم سالم بوده و بعداً مجنون شود این امر باعث اعطای کیفیات مخففه میگردد که بنظر قضات دادگاه میباشد .

جنون کامل . در صورتی جنون رافع مجازات است که متهم درحین ارتکاب کاملاً

مجنون باشد و جنون ناقص رافع مجازات نبوده بلکه بنا بر نظریه علمای حقوق از جمله کیفیات مخففه کیفر میباشد ولی رویه که در محاکم معمول شده اینگونه متهمین را به مجازاتهای کوتاه محکوم مینمایند قابل بحث میباشد اصولاً باید قانونگذار درباره این قبیل افراد موازین خاصی وضع نموده تا بتوان نامبردگان را به زندان اعزام داشت که حداقل بین زندان و تیمارستان باشد تا هم متهم مذکور معالجه گردیده و هم مجازات شود .

حالات نزدیک به جنون . هر چند قانونگذار جنون کامل را رافع مجازات

دانسته ولی تشخیص این امر بستگی بنظر دادگاه دارد جنون اقسام مختلف داشته و ممکن است

مسئولیت جرمی

متهم مبتلا به امراضی گردد که در آن حال بیمار و در حکم مجنون است در این قبیل موارد چنانچه متهم مرتکب جرم گردد آیا عمل وی مشمول ماده ۰؛ قانون کیفر عمومی میگردد یا خیر. امراض نزدیک به جنون عبارتند از:

صرع - حمله Epilepsie. صرع که غالباً با حمله یا بحران درد آوری حادث میشود. ممکن است این بیماری بطور دیگری نیز حاصل شود.

کری ولالی Surdi-mutilité کری ولالی که اغلب با بیماری حماقت توأم است این قبیل اشخاص را بموجب قوانین خاصی که در بعضی از کشورها بتصویب رسیده تحت نظر قرار میدهند.

حرکت بی اراده در خواب طبیعی یا مغناطیسی Somnanbulisme بعضی از افراد ممکن است در حال خواب بی اراده حرکت نموده و مرتکب جنحه و جنایت گردند. این قبیل افراد در این حالت دارای اراده نبوده و اعمال آنها ارادی نمیباشد. ولی در خواب مغناطیسی صحیح است کسی که تحت تلقین واقع شده بلا اراده است ولی این امر تصنعی است بنا بر عقیده علمای حقوق افرادی که در این حال مرتکب جنحه و جنایت گردند چون فاقد اراده بوده اند نامبرگان را نمیتوان مجازات نمود. ولی بنا بر عقیده پاره از علما نامبرگان را میتوان بجزیران ضرر و زیان ناشیه از جرم محکوم نمود. همچنین افرادی که مبتلا به کسالتی میباشند که در خواب حرکت میکند چنانچه با خود هفت تیری داشته در حال خواب کسی را کشته باشد صحیح است که ویرا نمیتوان بعنوان قتل عمدی محکوم نمود ولی بعنوان قتل خطئی در اثر بی احتیاطی و بی مبالائی (حمل با اسلحه) میتوان محکوم کرد.

مستی Ivrese. مستی ممکن است در اثر آشامیدن مواد الکلی و یا کشیدن تریاک و یا مصرف مرفین و یا ککائین حادث شود وقتی مشروبات الکلی بعد وافر وارد بدن شود منتهی به مستی کامل و یا جنون میگردد که مورد را نمیتوان مشمول ماده ۰؛ قانون کیفر همگانی دانست.

چنانچه فردی مخصوصاً مشروب خورده باشد که کسی را مجروح یا مضروب یا بقتل برساند واضح است نه تنها مستی در چنین موردی رافع مسئولیت نیست بلکه از جمله کیفیات مشدده جرم باید محسوب نمود. ولی چنانچه فردی بدون در نظر گرفتن عواقب مستی مشروبات الکلی صرف نموده و در حالت مستی مرتکب جرم گردد ممکن است مورد را مشمول ماده ۰؛ قانون کیفر عمومی دانست.

مورد دیگری که قابل بحث میباشد این است که چنانچه شخصی با توجه باینکه در حالت مستی ممکن است جنحه و جنایتی مرتکب گردد مشروبات الکلی صرف نماید و در حالت مستی مرتکب جرمی گردد که درصدد انجام آن نبوده و در غیر حالت مستی جرم مذکور را انجام نمیداده است آیا چنین شخصی را بایستی مجازات نمود یا خیر؟ مدت مدیدی عقیده علمای حقوق بر این بود که در هر صورت چون در حین ارتکاب جرم متهم مذکور مست و فاقد اراده بوده لذا نمیتوان نامبرده را بعنوان جرح و قتل عمدی

تحت تعقیب قرارداد فقط میتوان بعنوان قتل و جرح غیر عمدی در اثر بی احتیاطی وی مبالغاتی ویرا تعقیب و مجازات نمود.

وای کسانی که طرفدار امنیت عمومی میباشند عقیده دارند که از لحاظ حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی چنین فردی را بایست مانند افراد عادی که مرتکب جرم میگردند تحت تعقیب قرار داده مجازات نمود زیرا فرد مذکور با آنکه میدانسته است در حالت مستی ممکن است مرتکب جرمی گردد با شامیدن مشروبات الکلی مبادرت و در نتیجه مرتکب جرم گردیده است.

ممکن است در اثر مصرف مرفین نیز مستی ایجاد شود - مصرف مرفین منجر به مسمومیت میگردد حالتی بشخص دست میدهد که شبیه بمستی در اثر آشامیدن مواد الکلی است. همچنین افرادی که به کشیدن تریاک و یا مصرف مرفین اعتیاد دارند ممکن است در اثر نرسیدن مواد مرفین در ساعت مقرر مبتلا بجنون خاصی گردند.

مضيقه و اجبار La Contrainte

یکی دیگر از موانع مجازات مضيقه و اجبار در ارتکاب جرم غیر از قتل عمد میباشد که در ذیل ماده ۴۱ قانون کیفر همگانی بدین توضیح: (... و همچنین است کسی که بواسطه اجبار برخلاف میل خود مجبور بارتکاب جرم گردیده و احتراز از آن هم ممکن نبوده است مگر در مورد قتل که مجازات مرتکب تا سه درجه تخفیف داده خواهد شد.) بدان اشاره شده مضيقه و اجبار ممکن است روحی یا جسمی باشد.

مضيقه و اجبار جسمی: مضيقه و اجبار جسمی ممکن است در اثر قوای اهریمنی طبیعت ایجاد شود. مثلاً در اثر طوفان کشتی دولت خارجی مجبور بیناهنده شدن به بندر کشور غیر گردد واضح است ناخدای کشتی را نمیتوان در اینصورت محکوم نمود همچنین فرود آمدن طیاره دولت غیر در کشور ثالث در اثر طوفان یا خراب شدن موتور.

همچنین چنانچه گله سورد حمله حیوانات وحشی قرار گرفته و اجباراً چوپان ربه را بملک غیر سوق دهد در اینصورت گله بان را نمیتوان بعنوان چراندن محصول تحت تعقیب قرار داد.

همچنین فردی که زندانی بوده و در موقع مقرر نتواند خود را بآدره نظام وظیفه جهت خدمت سربازی معرفی نماید ناسیرده را نمیتوان بعنوان فراری از نظام وظیفه تحت تعقیب قرارداد. ولی در بعضی از موارد موضوع قابل بحث و تامل میباشد.

مثلاً چنانچه مسافری در واگن مسافری بخواب رفته و در ایستگاه مقرر پیاده نگردد آیا میتوان ویرا بعنوان تخلف از مقررات رام آهن « ادامه بحرکت بدون بلیط » تحت تعقیب قرارداد یا خیر؟ عقیده عمومی بر این است اگر دوران مسافرت طولانی و در مدت حرکت مسافر خسته و فرسوده گردیده و در اینصورت بخواب رفته باشد چنین شخصی در حال اجبار و اضطرار در مقابل قوای بدنی واقع و مسئول نمیشد ولی چنانچه مدت

مسئولیت جزائی

مسافرت کوتاه بوده جا دارد که مسافر مراقب بوده و در صورتیکه از ایستگاه عبور نموده پیاده نشود مسئول پرداخت خسارات وارده خواهد بود.

چنانچه اجبار و اضطرار در اثر خیطی که از طرف شخصی صادر شده انجام گیرد آیا متهم استحقاق مجازات را دارد یا خیر؟ مثلاً یکعدد کشتی جنگی در بندری جهت انجام امری توقف نموده و به ملوانان دستور داده شده که از کشتی خارج نشوند چنانچه یکی از ملوانان از کشتی خارج و پلیس محل ویرا بعنوان تخلف جلب و در وقت مقرر نتواند خود را بکشتی برساند آیا نامبرده میتواند بعنوان سرباز فراری تحت تعقیب قرار داد یا خیر؟ عقیده علمای حقوق این است که چون اجبار و اضطرار در اثر خبط و خطای متهم حاصل گردیده نامبرده استحقاق مجازات را دارد.

اجبار و اضطرار اخلاقی: La contrainte morale

در صورتی انجام میگردد که فردی کسی را تهدید نماید که اگر فلان عمل و یا فلان کار را انجام ندهد ویرا چنین و چنان خواهد کرد.

عقیده اکثر علمای حقوق اجبار و اضطرار اخلاقی را رافع مسئولیت نمیدانند مگر آنکه اجبار و تهدید مذکور بعدی باشد که منجر بچون گردیده و در این حال شخص مرتکب جرمی شده باشد. ضمناً اجبار و اضطرار اخلاقی که بین پدر و فرزند و زن و شوهر و یا ارباب و نوکر ممکن است حاصل شود مراتب مذکور را جزء حالت اجبار و اضطرار نمیتوان محسوب داشت بطور کلی در این مورد قانون را بایست تفسیر محدود نموده و فقط در موارد استثنائی بدان استناد نمود.

اشتباه L'erreur

قانون جزای عمومی که در باره جنون و اضطرار و اجبار اشاره نموده راجع بآشتباه بحثی ننموده است و با علمای حقوق جزا است که این نقص قانون را رفع نموده و تشخیص دهند در چه مواردی آشتباه مسئولیت جزائی است.

اشتباه دو مرحله دارد ممکن است آشتباه در انجام فعلاً و یا آشتباه در ندانستن قانون باشد.

اشتباه در فعل Erreur de fait. راجع به آشتباه در فعل کلیه علمای حقوق عقیده مند در عدم مسئولیت کیفری میباشند مثلاً شکارچی که مترصد بوده خوکی را هدف قرار دهد انسانی را هدف قرار داده البته چنین شخصی را نمیتوان بعنوان قتل عمد تحت تعقیب قرار داد زیرا فرض قانونی در قتل عمد این است که فاعل در نظر داشته باشد انسانی را بقتل برساند و در این مورد سوء نیت که بنظر قانون جرم است وجود نداشته بلکه منظور فاعل شکار خوک بوده است ولی میتوان ویرا بعنوان قتل عمد در اثر بی احتیاطی و بی مبالائی تحت تعقیب قرار داد. و یا ویرا بعنوان حمل اسلحه بدون پروانه تحت تعقیب قرار داده و مجازات نمود.

اشتباه در قانون Erreur de droit: آشتباه در ندانستن قانون رافع مسئولیت

مسئولیت جرائی

جزائی نیست زیرا فرض قانونی این است که قوانین پس از تصویب مجلسین و توشیح ملوکانه و درج درمجله رسمی قانونی بوده و همه کس بایست از مضمون آن مطلع باشد و هیچکس را نمیتواند بعنوان ندانستن قانون از مجازات معاف نمود.

امر آمر قانون

یکی دیگر از اموری که رافع مسئولیت کیفری است در صورتیکه انجام عمل بنا بر امر آمر قانون بوسیله مستخدمین دولتی انجام شده باشد این موضوع ضمن ماده ۲۴ قانون کیفر عمومی پیش بینی شده بدین ترتیب که «عملی از مستخدمین و مأمورین دولتی واقع شود در موارد ذیل جرم محسوب نمیگردد:

۱ - در صورتیکه ارتکاب عمل بواسطه امر آمر قانونی واقع شده و مرتکب برحسب قانون ملزم با اجرای آن بوده است.

۲ - در صورتیکه آن عمل برای اجرای قانون لازم بوده.»

قانون را در اینجا بایست تفسیر نامحدود نمود و بدان جنبه کلی داد بنابراین هر عملی که برحسب ضرورت بموجب قانون و امر آمر قانون انجام شود جرم نمیشد مانند شکستن درب و پنجره برای دستگیری قاتل یا شکستن قفل منزل برحسب ضرورت ورود در منزل غیر برحسب دستور دادستان و غیره.

اشکالی که در این مورد پیش میآید این است که چنانچه انجام امر قانونی همراه با دستور آمر قانونی نبوده و یا امر آمر قانونی با قانون منافات داشته باشد چه باید نمود؟

۱ - چنانچه عمل قانونی متکی به امر قانونی نباشد - چنانچه فعلی قانونی بوده ولی انجام آن همراه با دستور آمر قانونی نباشد انجام آن امری سهل و ساده بنظر میرسد بویژه آنکه قانونگذار انجام امر را بعهده کلیه افراد محول نموده باشد مانند دستگیری متهم در جرائم شهود که هر کسی میتواند فاعل را دستگیر و تحویل مقامات انتظامی نماید.

۲ - چنانچه امر آمر قانونی غیر قانونی باشد - قانون کیفر همگانی موضوع مذکور را پیش بینی ننموده و دانستن قانون برای هر فرد الزامی بوده بنابراین چنانچه امر آمر قانونی نباشد مأمور حق دارد بعنوان اینکه دستور مذکور مبتنی بر قانون نیست از انجام آن خود داری نماید مگر در امور نظامی که مادون موظف است دستور مافوق را انجام دهد و در صورتیکه مادون تشخیص دهد امر مافوق قانونی نیست میتواند از وی تقاضای دستور کتبی نماید در اینصورت مأمور از مجازات معاف و مافوق مسئول دستورات صادره میباشد.

در هر صورت طبق رویه دیوانعالی کشور فرانسه که در ایران نیز ضمن محاکمات مختاری مورد تأیید قرار گرفته چنانچه امر آمر قانونی غیر قانونی بوده و مادون آنرا انجام دهد فاعل مصون از مجازات نبوده و به کیفر مقرر محکوم خواهد شد.

مسئولیت جزائی

امر حکومت غیر قانونی - اشکال دیگری که مورد بحث میباشد این است که چنانچه فردی باتشبهت به قدرت برعلیه دولت قیام نموده و در نقطه از کشور حکومت خود مختاری تشکیل داده باشد وظیفه افراد در مقابل انجام دستورات حکومت غیر قانونی مذکور چیست ؟

آنچه بنظر میزند چنانچه فاعیل اختیار داشته باشد که امر مذکور را انجام و یا از انجام امر خودداری نماید در اینصورت مسئول و در صورتیکه مجبور بانجام دستور باشد در اینصورت از مجازات معاف میباشد.

۴ - دفاع از نفس یا مال یا ناموس

بموجب ماده ۱۸۴ قانون کیفر همگانی هر کسی بر حسب ضرورت برای دفاع و حفظ نفس یا ناموس خود مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد و همچنین ضمیمه ماده ۱۸۴ و ۱۸۵ مقرر گردیده.

« قتل و جرح و ضرب هر گاه در مقابل دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود باز عایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمیشود مشروط بر اینکه دفاع مناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید میکرده است. ماده ۱۸۴ ق ک ه ».

« در مورد هر فعلی که مطابق این قانون جرم بر نفس یا عرض محسوب میشود ولو اینکه از مأمورین دولتی صادر گردد استعمال هر گونه مقاومت و قوه برای دفاع از نفس یا عرض جایز خواهد بود و برای دفاع از مال جایز است استعمال قوه لازمه برای زد هر فعلی که بموجب مواد ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ جرم محسوب است. »

سابقه تاریخی : موضوع دفاع از نفس را حقوق رم قبول نموده و سیرن مورخ نامی در کتاب خود اشاره باین امر نموده و متذکر گردیده که دفاع از نفس در موقع ضرورت جزء حقوق و اصول طبیعی میباشد « Nor scripta, sed muta lea » در حقوق قدیم فرانسه این موضوع پیش بینی نگردیده و چنانچه بردی در مقام دفاع شخصی را مقتول میساخت موظف بود خود را بمقامات دولتی معرفی و تقاضای عفو نماید. ولی پس از انقلاب کبیر فرانسه اصل مذکور مورد قبول و جزء حقوق مسلمه افراد قرار گرفته. بعضی از جزائون این امر را نه تنها جزء حقوق افراد میدانند بلکه آنرا از جمله تکالیف بشری دانسته اند زیرا دفاع از نفس نه تنها امری ضروری و قانونی میباشد بلکه فردیکه در کمین گاه ناجوانمردانه بانسان حمله میکند عدل و عدالت اقتضا مینماید که فرد از خود دفاع نموده و دفع تعرض نماید و یا بنا بر عقیده ترینگ Thering دفاع از حق و عدالت دفاع از اجتماع میباشد در قانون کیفر همگانی دفاع از نفس را از جمله موارد معافیت از مجازات قرار داده و هر گونه مقاومت را برای دفاع از نفس یا مال جایز شمرده است (مواد ۱۸۴ و ۱۸۵ قانون کیفر همگانی ایران مواد ۳۲۸ تا ۳۲۹ قانون جزای فرانسه).

دفاع از نفس در چه مواقع جایز است - این امر را ماده ۱۸۴ قانون

کیفر همگانی ضمن تصریح اینکه مشروط دفاع بایست مناسب یا خطری باشد که مرتکب را تهدید نموده روشن نموده است بنابراین فاعل در صورتی معاف از مجازات میباشد که در شرایط زیر بدفاع پرداخته باشد.

الف - جان یا مال شخصی مستقیماً مورد حمله واقع شده باشد -

جان یا مال شخص بایست مستقیماً مورد تعرض و حمله قرار گرفته باشد بنابراین چنانچه مال و یا جان فردی مورد تعرض قرار نگرفته باشد دفاع از آن موردی نخواهد داشت. آیا چنانچه مال و یا جان فردی مورد تعرض قرار گیرد مردم میتوانند از وی دفاع نمایند یا خیر؟ ماده مذکور با ذکر جمله یا شخص دیگری این امر را روشن نموده و دفاع از نفس و مال و ناموس را شامل افراد ثالث نیز نموده است زیرا شفقت و جوانمردی حکم میکند که در این قبیل موارد کلیه افراد بزیان دیده از جرم کمک نمایند - ضمناً باید در نظر داشت که در هر مورد بایست دفاع مناسب با خطری باشد که متوجه شخص میگردد و بطور دیگر بایست مشت را بامشت جواب داد نه اینکه فردی که بامشت فردی را مورد تعرض قرار داده با اسلحه آتشین نابود ساخت مخصوصاً در مورد دفاع از مال قانونگذار این امر را تصریح نموده و دفاع از مال را در صورتی جایز دانسته که موضوع اتهام منطبق با مواد ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و بطور دیگر دزدی مقرون بشکنجه و آزار بوده و یا دزدی مسلح باشد و نحوه دفاع در هر صورت بایست مناسب با حمله باشد.

ب - حمله بایست فوری باشد نکته دیگری که قابل بحث میباشد حمله بایست

فوری بوده و فاعل وقت آنرا نداشته باشد که از قوای انتظامی استمداد طلبد - بنابراین چنانچه شخصی مورد تعرض قرار گرفته و پس از چندی ضارب را دیده و در صدد جبران برآید عمل مذکور جنبه دفاع نداشته بلکه عمل ویرا انتقام باید دانست . همچنین چنانچه کسی بمحمله از فردی داشته باشد وظیفه دارد قوای انتظامی را جهت اقدامات تأمین آگاه نموده و باین عنوان نمیتواند وی را هدف قرار دهد .

ح - حمله بایست برخلاف قانون باشد . چنانچه تعرض و حمله قانونی

باشد دفاع در مقابل آن جایز نیست . مثلاً چنانچه پلیس در صدد دستگیری متهمی برآید نامبرده حق ندارد در مقابل پلیس مقاومت نموده و بعنوان دفاع از نفس با پلیس مقابله نماید . ولی چنانچه مأمورین نظمیه و اسنیه از حدود وظایف خارج گردیده و بر حسب ادله و قرائن موجوده خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل و جرح یا تعرض معرفی گردد در اینصورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است (قسمت اخیر ماده ۱۸۷ ق . ک . ه .) .

نکته دیگری که در اینجا قابل بحث میباشد این است که چنانچه حمله کننده از مجازات معاف باشد آیا در اینصورت دفاع جایز است یا خیر ؟ مثلاً چنانچه شوهری زن خود را با سود اجنبی در یک فراش یا در حالتی که بمنزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است (ماده ۱۷۹ ق . ک . ه .) بنا بر این چنانچه زن و مرد مذکور مورد حمله قرار

مسئولیت جرمی

گیرند و در این مورد بدفاع پردازند آیا از معافیت قانونی مجازات بهره مند میگردند یا خیر. البته میتوانند زیرا همانطوریکه عمل شوهر در ضرب و جرح و قتل اشخاص مذکور در این مورد رافع مجازات است حق دفاع از نفس را قانونگذار امری ضروری تشخیص داده و در هر مورد شخص میتواند در مقابل حمله از خود دفاع نماید.

اشکال دیگری که در اینجا لازم به تذکر است چنانچه اشخاص مورد تعرض افرادیکه فاقد مسئولیت جزائی میباشند قرار گیرند آیا دفاع در مقابل این افراد جایز است یا خیر؟ البته عقل حکم میکند که شخص جان عزیز را در دست فرد دیوانه نداده و بمناسبت حمله که مینماید بدفاع پردازد. صحیح است که ممکن است این امر را نتواند شامل دفاع از نفس نمود ولی ضرورت و اضطرار این حق را بفرده میدهد که از خود در چنین حالتی دفاع نماید همچنانکه شخصی مورد حمله جزائی قرار گیرد خود بخود از خود دفاع مینماید.

d'état de nécessité

حالت ضرورت و اجبار

از نظر علمای حقوق جزا حالت ضرورت و اجبار از اسر اضطراری که قبلاً بدان اشاره شده متمایز بوده و محتاج به توضیحات دیگری میباشد. در حالت اضطرار و اجبار در اثر ترس فاعل بدون اراده بلجبار مرتکب جرم میگردد در صورتیکه اضطرار و اجباری که ذیلاً شرح داده میشود فاعل در انتخاب راه آزادی عمل داشته و از دو راه ناچار است یکی را انتخاب نماید نتیجه اضطرار گاهی عاید فاعل جرم میگردد مانند فردی که در کوهستان توشه خود را تمام نموده و زنده گی او بستگی بخوردن قرص نانی جهت سلجوع دارد در چنین صورتی بدزدی قطعه نانی جهت جلوگیری از خطر مرگ حتمی نماید این موضوع در حقوق فرانسه سابقه داشته و معروف بدعوی خانم منارد Ménard است که باتهام دزدی نان تعقیب و پس از رسیدگی دادگاه بعنوان اینکه فاعل در اثر گرسنگی و امید بزندگی اراده خود را از دست داده و در اثر اضطرار مرتکب جرم گردیده وی را تبرئه نموده است گاهی نتیجه فعل فاعل که ضرورت دارد نتیجه شخص ثالث میگردد مانند طبیب که برای نجات حتمی مادر در موقع حمل مجبور بکشتن طفل میگردد و یا مأمورین آتش نشانی که برای خاموش کردن حریق ناچار بخراب نمودن خانه های اطراف میگردند

در چه مواردی ضرورت و اجبار رافع مسئولیت کیفری است؟

عدم مسئولیت کیفری در صورت ضرورت و اجبار جنبه تاریخی دارد. در حقوق رم افرادی که در صورت ضرورت و اجبار مرتکب بعضی از جرائم میگردیدند از مجازات معاف میشدند در حقوق آلمان این اصل مورد قبول قانونگذار قرار گرفته و میگوید در موقع ضرورت قانون وجود خارجی ندارد.

(Nécessité n'a pas de loi) مثلاً دو امور مالی چنین مرسوم بوده که عابر

حق دارد ولو آنکه مالک ملک راضی نباشد حیوانی که بدان سوار است از علف ملکی که عبور مینماید سیر نموده و قطعه چوبی جهت گرم کردن خود در حین عبور بسوزاند ولی

مسئولیت جزائی

در قانون جزای عمومی بطور جداگانه بدان اشاره نشده فقط در ذیل ماده ۴۲ قانون کیفر همگانی راجع به دفاع از نفس و ناموس بدین عبارت اشاره شده که: «همچنین است کسی که بواسطه اجبار برخلاف میل خود مجبور به ارتکاب جرم گردیده و احتراز از آن هم ممکن نبوده است مگر در مورد قتل که مجازات مرتکب سه درجه تخفیف داده خواهد شد» چنانچه از متن قانون مفهوم میشود حالت اضطرار و اجباری که بدان اشاره شده مربوط با اجبار مادی است که قبلاً بدان اشاره شده حال با توجه باینکه جهت عدم مسئولیت جزائی در حالت ضرورت و اجبار نفس خاصی در قانون پیش بینی نشده این موضوع را از لحاظ قضائی چگونه بایست حل نمود؟ بعضی عقیده دارند با توجه باینکه عنصر اصلی تشکیل دهنده جرم قصد و اراده میباشد و فاعل در این مورد قصد ارتکاب جرم ندارد از این جهت میتوان او را تبرئه نمود. این اصل راجع بدعوی خانم مناردر مورد قبول قرار گرفته ولی اشکالی که در این مورد وارد است این است که اولاً این امر فقط راجع بجرائم عمدی بوده و از طرف دیگر در آن مورد نیز اراده فاعل همراه با منظور خاصی که تنازع بقاء میباشد همراه بوده است.

بعضی دیگر از علمای حقوق عدم مسئولیت جزائی را متکی به حالت اضطرار و اجبار اخلاقی میدانند ولی قبول این اصل نیز خالی از اشکال نیست در هر صورت آنچه را که باید در نظر داشت این است که در حالت ضرورت و اجبار قانون وجود ندارد شرایط اساسی معافیت از مجازات در صورت ضرورت و اجبار عبارتند از:

۱- در صورتیکه ضرورت اجبار امری حقیقی و واقعی باشد بنا بر این چنانچه فردی از لحاظ رفاه شخصی مرتکب جرم گردد و ویرا نمیتوان بدین دلیل معاف از مجازات دانست.

۲- در صورتیکه نفعی که در صدد استخلاص آنست بمراتب بیش از زیانی باشد که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل میشود چنانچه نتیجه انجام دو فعل یکسان باشد این اصل را بایست مشمول اضطرار و اجبار اخلاقی دانست.

رضایت زیان دیده از جرم در انجام جرم *Consentement de victime*

از لحاظ حقوق جزا در بسیاری از موارد رضایت زیان دیده از جرم رافع مجازات نیست ولی بنا بر ضرب المثل قدیم یونان که رضایت شاکی خصوصی در انجام بزه آثار جرم را زائل مینماید «*Volontient non fit inzurier*» چه باید گفت؟

در بعضی از موارد گذشت شاکی خصوصی رافع مجازات است مانند جرایم منافی عفت و بطور کلی در جرائم بر علیه اموال زیرا هر فردی حق دارد اموال خود را بهر کسی که میل دارد اعطا نماید بنا بر این عنوان دزدی در ابوالی که شاکی خصوصی بخشیده است مصداق خارجی پیدا نمی نماید همچنین عنصر تشکیل دهنده هتک ناموس رابطه جنسی با زنی با اجبار و زور میباشد بنا بر این اگر شخص مذکور رضایت داشته باشد جرمی تحقق نیافته تا موضوع قابل تعقیب باشد.

مسئولیت جزائی

ضمناً باید در نظر داشت که در مراتب مذکور نیز آثار جزائی در صورتی زایل میشود که :

- ۱ - شخصی که رضایت میدهد از لحاظ حقوقی صلاحیت داشته باشد بنا بر این رضایت فرد دیوانه یا طفل یا شخص مست در انجام جرم رافع مسئولیت کیفری نیست .
- ۲ - شاکی خصوصی قبل از انجام جرم رضایت داشته باشد زیرا گذشت وی پس از وقوع جرم جنبه بخششی دارد که در بعضی از موارد از لحاظ قانون مؤثر میباشد (مانند جرائم منافی عفت) و در بعضی از موارد مؤثر نیست (مانند جرائم بر علیه اموال) .

انجام قتل بنا بر تقاضای مقتول . چنانچه فردی در اثر سختی و مرارت و کشیدن دزد و مشقت از دوست خود تمنی و تقاضا نماید که با گلوله بزندگی وی خاتمه دهد مانند فردی که به بیماری سرطان مبتلا و آخرین روزهای حیات خود را طی مینماید و در این حال تقاضای کشتن خود را از طبیب معالج نماید و یا سربازی که تیر خورده و در میدان جنگ افتاده و معالجه وی امکان ندارد و جهت خاتمه دادن برنج و مشقت از دوست خود تقاضا نماید ویرا با گلوله خلاص نماید در چنین صورتی آیا میتوان متهم را معاف از مجازات نمود یا خیر ؟ . دیوانعالی کشور فرانسه تا کنون این اصل را قبول ننموده و قتل ولو آنکه بنا بر تقاضای مقتول باشد جرم بوده و متهم استحقاق مجازات را دارد نکته که قابل توجه میباشد با آنکه قانونگذار خود کشی را امری جایز تشخیص و در صورت نجات فاعل موضوع را قابل تعقیب نمیداند و حتی چنانچه افرادی در این امر معاونت نمایند نامبردگان نیز قابل تعقیب نمیشوند مع الوصف در بیشتر کشورهای جهان انجام قتل را بنا بر تقاضا و تمنای مقتول رافع مسئولیت کیفری نمیدانند جا دارد از لحاظ قانون جرم مذکور را جرم خاصی در قانون کیفر همگانی پیش بینی نمایند .

جنگ تن بتن با موافقت قبلی Duel . قبل از انقلاب کبیر فرانسه دوئل از جمله جرائم خاصی در قانون پیش بینی و مرتکبین بمجازات های سخت محکوم میشدند ولی در قانون جزای ایران و فرانسه این امر پیش بینی نگردیده است و مرتکبین با توجه به نتیجه عملی که انجام میدهند بموجب قانون محکوم میگرددند .

مسابقه بکس . مشت زنی در مسابقه ممکن است منجر به فوت یا زخمی شدن فرد دیگر گردد البته چنانچه قوای دوطرف با یکدیگر متناسب نباشد میتوان یکی از آنها را بعنوان جرح و ضرب بر اثر بی احتیاطی محکوم نمود ولی با توجه باینکه از لحاظ تقویت جسمی جوانان و در نظر گرفتن اینکه فردیکه وارد مسابقه میشود قبلاً خود را برای خوردن مشت های حریف آماده نموده و در این امر رضایت داشته عرف و عادت ملل در این مورد متهم را از مجازات معاف داشته است .

رضایت در جراحی . روی چه اصلی چنانچه جراحی ضرورت پیدا نماید جراح را بعنوان جرح و ضرب عمدی نمیتوان تعقیب نمود . عده گویند در اثر رضایت قبلی زیان دیده از جرم در انجام عمل جراحی است که در پاره از موارد کتباً از وی اخذ مینمایند از

مسئولیت جراحی

طرفی جراح بموجب گواهی نامه که بموجب قانون از دانشگاه میگیرد مجاز در عمل جراحی بوده و وی را نمیتوان بدین عنوان تحت تعقیب قرار داد مگر آنکه در جراحی مرتکب خبط و خطا گردد که در اینصورت بعنوان قتل غیر عمد و یا جرح غیر عمد در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی ویرا میتوان مورد تعقیب قرار داد .

در هر صورت رضایت زیان دیده از جرم در بعضی از موارد رافع مسئولیت کیفری بوده ولی این امر کلیت ندارد و بستگی دارد با نحوه عمل و مورد آن که با توجه به عرف و عادت و موازین قانونی در هر مورد محتاج باظهار نظر خاصی میباشد .

